

روز کارگر یا مناسک وفاداری به جاودانگی سرمایه داری؟؟!!

سالیان متمادی است که در روز اول ماه جمعیت کثیری از کارگران دنیا با فراخوان احزاب، اتحادیه ها، نیروهای سیاسی «چپ»!! به خیابان ها می ریزند. «بیرق انترناسیونال»!! می افرازند، لیستی از مطالبات را به آن می آویزند، بعضا از تعرضات انفجارآمیز سرمایه داران یا دولت های سرمایه داری به بازمانده قوت لایموت خود شکوه می کنند و بالاخره گلایه های خود را نجوا، شعار، نطق، قطعنامه، زیور ختم مراسم می سازند. آنچه طی این سالها در سراسر جهان انجام یافته و در حال انجام است، نه فقط هیچ نشانی از نمایش قدرت، نقد، اعتراض، کارزار و مبارزه طبقاتی کارگران علیه سرمایه داری، علیه بردگی مزدی، علیه سرمایه متعین در ساختار نظم، سیاست، حقوق، مدنیت، دولت، حاکمیت ندارد، که رویه متضاد آن است. زیونانه، سناریوی تیره خودفروبی، تسلیم، انحلال و دفن در شیرازه نظم ارزش افزائی، بازتولید، خودگستری و ماندگاری سرمایه داری است.

بنیاد برگزاری این مراسم در شرائط روز در نقطه نقطه دنیا، اعلام قبول ضمنی ایدئولوژیک، عادی، توارثی، مقدر، مستدام کارگران به همیشه کارگر ماندن، برده مزدی زیستن، فروشنده نیروی کار شبه رایگان بودن، ایمان به تقدس و بقای سرمایه داری است!! هیچ کارگری راهی خیابان و آماده اجرای مارش نمی شود تا انفجار فراگیر تضاد سرشتی وجود سرمایه داری با اساس معاش، رفاه، آزادی، حقوق انسانی، نیازهای زندگی چند میلیارد کارگر سکنه زمین را فریاد زند، طغیان غیرقابل مهار این تضاد عالمگیر را معضل بنیادی روز، نقطه انفجار تاریخ، میدان واقعی کارزار رهائی انسان خواند. همه می آیند تا همسان حجاج کعبه، مناسک شرعی «اول ماه مه» به جا آرند، نظام بردگی مزدی را طواف کنند، در «سعی □ فا و مروه» طواف، مشتی حاجت، نذر، نیاز را به دیوار خانه خدای سرمایه بیاویزند.

برای گرسنگان دعای شکم سیر نمایند، برای بیکاران آرزوی کار کنند، از بانکها خواستار پرداخت وام به بی سرپناهان گردند!! چند صد میلیون کارگر در شرائطی بر اجرای این مناسک مهر نمایش همبستگی بین المللی و بزرگداشت خاطره قیام شیکاگو می کوبند!! که جهان از تراکم سرمایه دم کرده است. حجم اضافه ارزش سالانه آفریده توده های کارگر دنیا به گزارش نهادهای رسمی سرمایه داری تا 110 تریلیون دلار بالا رفته است. همزمان مزد و کل ممر معیشتی سالانه 3 میلیارد از 6 میلیارد نفوس طبقه کارگر 5 تریلیون و کل طبقه کمتر از 20 تریلیون است. نیمی از کارگران جهان زیر هفت درصد و کل کارگران بالغ بر 15 درصد ارزشهای آفریده سال خود را به عنوان بهای بازتولید نیروی کار در همه شکلهای ممکنش دریافت می کنند!! رقمی که در مورد طبقه کارگر ایران به 3 درصد هم نمی رسد. متوسط نرخ اضافه ارزش ها در سطح جهانی بالای 700 در □ د و در جهنم سرمایه داری ایران بیش از 1300 در □ د است. انفجار

گرسنگی مولود سرمایه داری در همه جا، به ویژه افریقا، آسیا، امریکای لاتین در هر دقیقه جان دهها کارگر و کارگرزاده را می گیرد، نظام بشرکش بردگی مزدی بالغ بر 2 میلیارد نفوس توده کارگر دنیا را حتی از داشتن آب شرب سالم محروم کرده است. همین دو میلیارد را از دسترسی به حداقل بهداشت، دارو، درمان، سایر مایحتاج اولیه حیات ساقط نموده است. طبیعت را سراسر ویران، همه خورد و خوراک و پوشاک انسان ها را بیماری زا و آلودگیهای مرگ آفرین زیست محیطی را به مرز انفجار کشانده است. با شدت، سرعت و سختی کار، سلاخی تمامی امکانات ایمنی، بهداشتی محیط کار هر سال دهها میلیون کارگر را لای چرخ ماشین ها، میان شعله های آتش انفجارها، زیر آوار معدن ها در کام سوانح زنجیروار رعب آور از هستی ساقط می سازد. تمامی این جنایات و بربریت ها را بی عنان و سرکش دستور کار ساخته است تا شاید فشار کاهش نرخ سودها و وقوع کوبنده بحرانا را به چالش کشد. در متن چنین وضعی فقط دولت درنده و بشریت سوز امریکا، فقط در طول سال 2024 یک تریلیون دلار از حاصل کار و استثمار نفرین شدگان فاقد

آب، دارو، درمان، غذا، پوشاک را صرف کشتار بشر در دنیا، صرف نسل کشی، هولوکاست، بربریت، پاکسازی قومی در فلسطین کرده است. صدها میلیون تن بمب را در اختیار وحش آدمخوار و هولوکاست آفرین اسرائیل قرار داده است. تا بر سر دو میلیون کودک، نوزاد شیرخوار، سالخوردگان بیمار، مادران مصدوم، پدران معلول فلسطینی فرو ریزند. چند میلیارد کارگر جهان 20 ماه است این هولوکاست مخوف تر از هولوکاست بورژوازی نازیست را نظاره می کنند، بدون آنکه هیچ کجا حتی برای یک ساعت چرخ تولید، ارزش افزائی، خودگستری، نظم سیاسی سرمایه داری را از چرخش باز دارند. مشکل فقط سکوت گورستانی در مقابل هولوکاست اسرائیل، امریکا، متحدان در غزه نیست. نقطه نقطه افریقا، آسیا، امریکا، جهان میدان جنگ، رقابت، بمباران، نسل کشی دولت ها، قطب ها، اپوزیسیونهای درون طبقه سرمایه دار جهانی بر سر چگونگی بازتقسیم حاصل استثمار طبقه کارگر، تقسیم سهام مالکیت، قدرت، حاکمیت سرمایه است. ذات سرمایه است چنین کند اما آنچه اکنون انجام می دهد، تعرض سونامی واری که از دهه ها پیش در سراسر دنیا به هستی طبقه کارگر آغاز کرده است، مشدد ساخته است، هر روز بر شدت، وسعت، دامنه اش می افزاید، بازتاب قهری انفجار بحران خیزی سرمایه داری است. رخدادی که تاریخا غیرقابل تعطیل، مهارناپذیر، بدون هیچ علاج است. از سلول، سلول وجود این اختاپوس گرسنگی، فقر، فلاکت، ویرانی، آوارگی، نسل کشی، تخریب طبیعت، آلوده سازی بی کران محیط زیست می بارد، جهان از سرمایه به طور ماوراء افراطی اشباع است، کار زنده آماج استثمار فرساینده سرمایه داری قادر به تولید اضافه ارزش مورد نیاز بازتولید و بقای این هیولای سرطان زده مخوف آدمخوار نیست. اگر بناست بشر باقی ماند طومار هستی این نظام باید برای همیشه در هم پیچد.

در چنین وضعی کارگران آماده اجرای مناسک اول ماه مه، صدر و ذیل انتظار، آذین آرمان، شکوه دادخواستشان، به جوش آوردن دیگ بخشایش سرمایه داران و دولت های سرمایه داری برای افزایش درهم و دیناری مزد، پاسداشت دموکراسی!!، دفاع از «حقوق بشر» بردگی مزدی، «عدالت اجتماعی» سرمایه آویز است!!، در جهنم سرمایه داری ایران «همسانی دستمزدها»!! و اجرای طرح طبقه بندی مشاغل را برای هفت نسل خود کافی می دانند!!، برخی نیز «کمر به انقلاب بسته»!!، «مرگ بر ستمگر» را «ستیغ طغیان»!!، «گواه وفا به آرمان رهائی بشر» می خوانند!!، بر جبین این دریا نشانی از تندر رهائی نیست. هر چه هست «لیبک یا سرمایه!» آوای حریر فام اطاعت، تسلیم در مقابل بردگی مزدی، سوگند پای بندی به کارگر ماندن، برده مزدی زیستن، فروشنده نیروی کار بودن است. آنچه می بینیم، این است اما «بخور آتش و قربانیان پی در پی» قرار نیست خشم خدای سرمایه را پائین آرد. طوفان قهر و قربانی گیری سرمایه با قبول نیایش دموکراسی، قانون آویزی، مدنیت پرستی، اصلاح طلبی آرام نمی گیرد، **بازتقسیم بی امان کار پرداخت شده و نشده میلیاردها کارگر به زیان اولی، به سود دومی در یک سو، طوفان رقابت، جنگ، نسل کشی بر سر تقسیم سهام سودها، مالکیت ها، حاکمیت ها در سوی دیگر،** همسان دو لبه تیز یک قیچی کل زندگی شش میلیارد کارگر را مقراض خواهد کرد. این 6 میلیارد هیچ راهی سوی تغییر بنیادی ریل کارزار ندارند. بدیل این راه، تن دادن به نابودی محتوم است. چه خواهد شد؟ هیچ چیز مقدر نیست، پاسخ از پیش تعیین شده ای وجود ندارد. حرف ما با میلیاردها همزن جبر در سراسر دنیا آن است که بساط آرایش و ویرایش سرمایه داری را جمع کنیم، به این دلیل بارز که هر تلاش در این راستا فقط تنگ تر ساختن طناب دار سرمایه بر گلوی خویش و نسلهای آتی کارگران دنیا است. دموکراسی آویزی، تغییر الگوی حکومتی سرمایه زیر بیرق سرنگونی، تعویض شکل مالکیت سرمایه داری تحت لوای «سوسیالیسم»!!، دخیل بندی به حقوق بشر، مبارزه قانونی، راه اندازی کمپین های مدنی، دمیدن در صور جنبشهای سرمایه آویز نوع «زن، زندگی، آزادی»!! سوی عملگی فسیل وار تسویه حساب بخش های مختلف طبقه سرمایه دار، فرسودن، انحلال، تباه سازی و دفن قدرت کارزار طبقه خویش در گورستان رقابت ها، سوداگریها و مشاجرات درونی

وحوش حاکم و اپوزیسیون بورژوازی هیچ چیز دیگر نیست. باید به این سناریوهای سیاه خدمت به ماندگاری نظام بردگی مزدی پایان داد و وارد میدان مبارزه طبقاتی راستین ضد سرمایه داری شد.

مبارزه ضد سرمایه داری معنایی صریح، زلال، شفاف، غیرقابل تفسیر دارد. اکتفا به کوبیدن بر طبل افزایش مزد و قفل زدن این افزایش به تورم یا خط فقر هیچ نشانی از کارزار طبقاتی ضد سرمایه داری ندارد، برعکس اعلام وفاداری به اساس بردگی مزدی و ماندگاری آن همراه با مطالبه بهای بازتولید نیروی کار برای فروش جاودانه و نسل بعد از نسل این کالا است. متضاد آن در مورد کیفرخواست تسلط بر سرنوشت کار و تولید صادق است. در اینجا انسان به عنوان کارگری که نقطه عزیمتش همیشه کارگر ماندن نیست، کارگری که اگر چه فی الحال کارگر و مجبور به فروش نیروی است اما ضد اساس مزدگیری و استثمار سرمایه داری است. آماده است و می جنگد تا سهم هر چه بیشتر و عظیم تری از ارزش های آفریده سال خود را از چنگال وحوش سرمایه دار و نظام سرمایه داری خارج سازد. این سهم بزرگتر را برای معاش و رفاه و زندگی انسانی می و حاضر خود می خواهد اما د^{ول} آن را نه در چهارچوب تمکین به قبول حقانیت و بقای سرمایه داری بلکه دقیقاً به مثابه لحظه ای، گامی از پیکار طبقاتی ضد کار مزدی پی می گیرد.

خواستار تسلط کامل، شورائی، جمعی، آگاه، قادر، نافذ، سوسیالیستی، انسانی بر کل کار، تولید و زندگی است اما عجلالتا توان تحقق این کار را ندارد. این ناتوانی را محمل غلطیدن به ورطه عبودیت سرمایه نمی سازد، سراغ سندیکاسازی منحن سرمایه آویز و ساختن دکه چانه زنی، تسلیم، سازش با گرازان سرمایه دار نمی رود، راه می افتد تا دست در دست همزنجیران آماده برپائی جنبش سازمان یافته شورائی، سراسری ضد سرمایه داری طبقه خود گردد.

مثال بالا به تمامی فرایند جدال میان توده های کارگر و نظام بردگی مزدی قابل تعمیم و تسری است. دموکراسی خواهی و سرنگونی طلبی فراطبقاتی در هر شکل، با هر پرچم یا رنگ و لعاب، مسالمت جویانه، خشونت آمیز، مسلحانه حتی با جنجال آمیزترین ادعاها و مانیفست ها، نهایتاً دفن کردن توده های کارگر در باتلاق توهم به ویرایش و پیرایش نظام بشرستیز سرمایه داری است اما هر گام تلاش هر کارگر برای برپائی قدرت سازمان یافته شورائی ضد سرمایه داری، ضد هر نوع دولت بالای سر، ضد هر دخالت دولت های موجود در زندگی انسان ها، گذاشتن سنگی بر روی سنگ، برای مبارزه ای عاجل، نیرومند، نقشه مند، آگاه، استخواندار و بالنده در راستای رهایی انسان است. به همین سیاق با سر دادن شعار «زن، زن»، «زندگی، زندگی»، «آزادی، آزادی»، «مرگ بر ستمگر»، «سرنگون باد جمهوری اسلامی»، «علیه نسل کشی» در کف خیابان ها، پشت بام خانه ها، درون متروها، میدان ها، هیچ تغییر مهم ماندگار در هیچ گوشه زندگی انسان ها اتفاق نمی افتد. یک جنبش کارگری سازمان یافته شورائی ضد سرمایه داری با میداناری آگاه، و نافذ شمار هر چه بیشتر کارگران لازم است تا هر شکل آپارتاید وحشیانه جنسیتی را با تعطیل سراسری چرخه کار و تولید به چالش کشد، خواست محو کار خانگی زنان، محو هر شکل وابستگی اقتصادی زن به همسر، اولاد به والدین را با انسداد کامل جریان تولید سرمایه تحقق بخشد. نیاز به چنین جنبشی است تا تخریب طبیعت، مسموم سازی خوراک، آب، هوا، هر مایحتاج حیات انسانی را با کیفرخواست برنده خشکاندن سرچشمه تولید این سموم در چرخه تولید سرمایه داری تضمین و حتمی گرداند. باید دست به کار برپائی این جنبش در هر نقطه دنیا شد، جنبشی عظیم، سراسری، انترناسیونالیستی که جنگیدن در کنار بیرقش تجلی کارزاری راستین برای رهایی فرجامین انسان باشد.

نابود باد سرمایه داری

بالنده، پرشکوه، پرخروش باد جنبش انترناسیونالیستی ضد بردگی مزدی

کارگران ضد سرمایه داری فعال جنبش لغو کار مزدی